

تحلیل نقش علمی - فرهنگی بانوان فرهیخته عصر امام محمدباقر (علیه السلام)

سید زمان حیدر موسوی^۱

چکیده

آزادی نسبی حاصل شده برای شیعیان در عصر امام باقر(ع) فرصتی را در گسترش معارف دینی برای آن حضرت فراهم آورد و در این زمینه تربیت شاگردانی کاردان و کارآمد یکی از مؤثرترین حرکت علمی آن حضرت بوده است، در این میان توجه به این مسئله که آیا در میان شاگردان آن حضرت بانوانی نیز حضور داشته‌اند؟ و در چه زمینه‌های فعالیت می‌کرده‌اند؟ می‌تواند یکی از موضوعات قابل توجه قرار گیرد، به نظر می‌آید که با توجه به اهمیت علم‌آموزی زنان در دین مبین اسلام و رغبت عموم مسلمانان در فراگیری معارف دینی در عصر امام عالی‌مقام، بانوانی نیز در صف شاگردان آن حضرت حضور داشتند و در زمینه‌های مختلف علمی فرهنگی فعالیت می‌کرده‌اند، به راین اساس، تحقیق حاضر با روش تاریخی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای، درصدد بازشناسی شاگردان زن در مکتب امام باقر (ع) بر آمده و بیان برخی از نمایان‌ترین فعالیت‌های علمی فرهنگی آنان را بر عهده دارد، بررسی گزارش‌های موجود در این زمینه نشان داد که بانوانی همچون ام فروه، ام حبیبه، ام هانی، خدیجه دختر امام باقر (ع) و برخی دیگر از زنان، از محضر آن حضرت کسب فیض نموده و همراه با انتقال معارف دینی به دیگران، در ساختن فرهنگ علم‌آموزی زنان نقش مؤثر داشته‌اند.

واژگان کلیدی

امام محمدباقر، بانوان فرهیخته، تربیت‌یافتگان مکتب امام محمدباقر، نقل حدیث.

۱. دانش پژوه سطح ۴ تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

مقدمه

امام باقر با توجه به شرایط اوضاع به تربیت شاگردان و شخصیت‌های علمی پرداختند و عصر امام محمدباقر، عصر طلایی و جلوه‌ای ماندگار در رشد علمی و فرهنگی و فکری تمدن اسلامی است. لذا ما می‌بینیم در کتب رجال‌شناسی و تاریخی تعداد انبوهی از بانوان شاگردان و تربیت‌شدگان امام باقر نام برده شده است. فعالیت علمی و فرهنگی بانوان این عصر پهنه گسترده و غیرقابل‌انکاری داشته و عرصه‌های مختلفی را به خود اختصاص داده است؛ اما به دلایل گوناگونی بسیاری از فعالیت‌های آنان نادیده انگاشته شده است.

در این مقاله حاضر ما به بانوانی می‌پردازیم در این نهضت علمی بزرگ در رکاب امام باقر مجاهدت‌های بزرگی را انجام دادند و به علم و فرهنگ اسلامی خدمات نموده‌اند. اگرچه درباره نهضت علمی امام باقر کتب و مقالات فراوانی به رشته تحریر درآمده، اما نوشته‌ای که به بررسی نقش بانوان فرهیخته در علوم و فرهنگ اسلامی بپردازد، یافت نشد. لذا این پژوهش پس از معرفی برخی از بانوان برجسته عصر امام باقر، نقش تأثیرگذار آنان در گسترش علوم و فرهنگ اسلامی، پرداخته و تلاش‌ها و فعالیت آنان را در زمینه‌های مختلف بیان و اقدامات آنان را مورد بررسی قرار داده است.

شخصیت علمی امام باقر (علیه السلام)

حضرت امام محمدباقر (ع) در سال ۵۷ هجری در مدینه چشم به جهان گشود. کنیه‌اش ابوجعفر است اما القاب او که هرکدام اشاره به مقام علمی اشاره دارد. باقر یعنی شکافنده علوم می‌باشد. (قرشی، ۱۵۰) در علم و فضیلت، کسی قدرت برابری با امام باقر را نداشت چون آن حضرت در مکتب اسلام و خاندان وحی و رسالت بزرگ‌شده بود. چه بسیار مدعیانی که می‌خواستند که با او مباحثه علمی داشته باشند، اما در مکتب آن حضرت زانوی ادب می‌زدند و در برابر علم و فضیلت او سر تسلیم می‌آوردند. محمد بن ابی عمیر روایت می‌کند ندیدم کسی را که مانند محمد بن علی (ع) در علم و فضیلت قوی داشته باشد و شاگردانش چنان طالب علم و ساکت برای یادگیری احکام باشند. (مفید، ۲۴۴) از مهم‌ترین امتیازات امام باقر این است که حضرت بنیان‌گذار نهضت علمی شیعه بلکه اسلام شمرده می‌شود. عمادزاده درباره عظمت علمی امام باقر (ع) روایتی را نقل می‌کند که محمد بن مسلم می‌گفت، ۳۰۰۰۰ هزار حدیث از امام باقر سؤال کردم و جواب شنیدم. (عمادزاده، ۸۴۳)

اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر امام باقر علیه السلام

اگرچه خلفای بنی امیه در دوران امام باقر در تنش ها و درگیری های داخلی بر سر قدرت مشغول بود و نسبتاً از نهضت و فعالیت های علمی امام غافل بودند، ولی این به این معنا نیست که امام در امنیت کامل به سر می برده و هیچ مزاحمتی توسط دولت مردان به وجود نمی آمد و امام با آزادی کامل به فعالیت های خود ادامه می دادند؛ بلکه بسیاری از شواهد بر این دلالت دارد که اوضاع برای امام خشونت آمیز بوده، حاکمان وقت بر امام و مردم مسلمان ظلم و ستم روا می داشتند، حتی امام مجبور می شد که هم خودشان تقیه کنند و هم به دوستان خود دستور تقیه را بدهند. ولی بازهم ظالمان آن دوره، تحمل دیدن چنین شخصیتی را نداشتند و سرانجام توسط هشام این امام بزرگوار به شهادت رسید. برای آشنایی با اوضاع سیاسی عصر امام باقر لازم است نگاهی هم به شخصیت های حاکمان آن دوره بیندازیم تا قضاوت برای ما آسان گردد.

در عصر امام باقر هفت تن از خلفای بنی امیه بر سر قدرت آمدند و رفتند و هرکدام در اذیت و آزار شیعیان و مؤمنان، خشونت و سخت گیری در مقابل مخالفان و به ویژه نسبت به اهل بیت و بالأخص امام باقر از دیگری جلو می افتادند. جز مدت کوتاهی که عمر بن عبدالعزیز بر سر قدرت آمد و نسبتاً راه عدالت را در پیش گرفت.

تا نیمه اول قرن اول هجری مسئله مهم جهان اسلام حفظ موجودیت اسلام و مسلمین و مقابله با دشمنان خارجی بوده، و توجه خاصی به مسائل فکری و فرهنگی نداشتند. ولی از نیمه دوم قرن اول به بعد ما شاهد تشکیل گروه های فکری در جامعه اسلامی هستیم که به دلیل آن مشکلات فکری و فرهنگی نیز به وجود آمد. لذا ما می بینیم که از امام سجاد به این طرف امامان معصوم روی مسائل فکری و فرهنگی توجه خاصی می دهند؛ ولی با روش های متناسب با وضعیت زمان خودشان؛ چون اوضاع و احوال زمان هر امام با اوضاع زمان امام دیگر نسبتاً متفاوت است.

کم کم در دوران امامت امام باقر مسائل فکری و فرهنگی در جامعه اسلامی به اوج خود می رسد؛ و عواملی دست در دست هم دادند که این اوج گیری مسائل فکری و فرهنگی را شاهدیم.

اگرچه گروه ها و جریان های فراوانی را می شود در دوره امام باقر نام برد ولی ما فقط جریان های فکری مهم آن دوران را نام می بریم؛ که معروف ترین آن ها خوارج، مرجئه، معتزله، جبری، غلات و شیعه هستند. هرکدام از این فرقه ها زیرشاخه های متعددی داشتند و هرکدام در

مقطع خاصی از تاریخ فعالیت داشتند و در عصر امامین صادقین ما شاهد فعالیت چشم‌گیری هستیم.

بانوان فرهیخته عصر امام باقر (ع)

در هر دوره زنانی این شرف را داشتند که در خدمت یکی یا چند تن از ائمه حضور یابند و همراه شرف زیارت آن بزرگوار خدمات ارزنده‌ای نیز در پیشبرد اهداف ائمه و نشر معارف آن بزرگان انجام می‌دادند. همچنین بانوانی شرف حضور در محضر عالی امام باقر را داشتند. در ذیل به تعدادی از این بانوان پرداخته خواهد شد.

۱. ام فروه (همسر امام محمدباقر)

نام این بانو هم فاطمه و هم قریبه (اربلی، ۱۶) ذکر شده و پدر ایشان قاسم بن محمد بن ابی بکر و مادرشان اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر است. (ابن عیبه، ۱۷۶) لذا ایشان هم از طرف پدر و هم از طرف مادر، نوه ابوبکر بن ابی قحافه می‌باشند. کنیه این بانو ام فروه و ام قاسم است. و در قبرستان بقیع در شهر مدینه در کنار مضاجع شریف سبط اکبر امام حسن و امام زین‌العابدین و امامین صادقین (ع) و مادرشان اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر، مدفون هستند. (کلینی، ج ۲، ۵۲)

در جلالت و شرافت این بانو همین بس است که در خانه پدری پرورش یافته که از چهره‌های نامدار عصر خود بوده و با لقب الفقیه معروف شده بود. (شوشتری، ۲) و فقه و معارف اسلامی را غیر از پدرش از شوهر بزرگوارش باقرالعلوم و فرزندش بانی دانشگاه مکتب اهل‌بیت فراگرفته بود.

امام جعفر صادق علیه‌السلام در وصف مادرشان می‌فرماید:

«سعید بن مسیب، قاسم بن محمد بن ابی بکر (پدر ام فروه) و ابو خالد کابلی از ثقات علی بن حسین بود؛ و فرمودند: مادرم از جمله زنانی بود که ایمان آورد و تقوا اختیار کرد و احسان و نیکوکاری می‌کرد و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.» (کلینی، ج ۱، ۴۷۲)

امام صادق (ع) در وصف مادرشان به سه نکته مهم اشاره می‌فرماید و این سه نکته به عمق معرفت و خداشناسی این بانو دلالت دارد؛ و آن سه نکته این است.

۱. ایمان خالص: همان‌طوری که قرآن مجید برای نجات بشریت ایمان را یکی از مهم‌ترین و

مؤثرترین عامل به حساب می‌آورد. مادر امام صادق (ع) طبق گفته حضرت در اولین مرحله خودش را با این سلاح تزئین کرده است.

۲. تقوا و پرهیزکاری: تقوا عامل بازدارنده از اطاعت طاغوت است. عالیه‌ی مخدیره بانو ام فروه از بانوان بافضیلت و کرامت بوده که حتی امام صادق هم باکرامت این بانو شناخته می‌شده است. چنانچه گفته شده که مادر امام صادق علیه السلام آن چنان مکرمه و پرهیبت بود که گاهی مردم امام را «ابن المکرّمه» می‌نامیدند. (کشی، ۲)

۳. احسان و نیکوکاری: در این قسمت امام (ع)، مادر گرامی‌شان را به عنوان یکی از مصادیق آیه وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (بقره: ۱۹۵) معرفی می‌فرماید. در توضیح مقام علمی این بانوی مکرمه، برقی، ام فروه را از راویان امام صادق دانسته. (برقی، ۶۲) و مسعودی می‌گوید وی از علی بن حسین حدیث نقل کرده است. (مسعودی، ۱۵۲)

در دوران خفقانی خلفای بنی‌امیه به‌ویژه بعد از حادثه غمبار کربلا مردم عادی جرئت نمی‌کردند که با امام زمان خود در ارتباط مستقیم باشند؛ و نظارت سخت دستگاه خلافت هم به امام معصوم این مجال را نمی‌داد که در بین مردم عادی زیاد حضور پیدا کنند. لذا از این به بعد است که امامان معصوم به فکر راه‌حلی افتادند و سازمان وکالت این مشکل را برطرف نمود. وکیلان امامان معصوم به عنوان رابط بین امام و امت فعالیت می‌کردند. وجوهات شرعی را جمع کرده، به حکم امام بین نیازمندان تقسیم می‌کردند؛ و برای رفع مشکلات سیاسی، اعتقادی و فقهی همیشه از بین آگاه‌ترین و معتمدترین افراد وکیل انتخاب می‌شدند. مادر امام صادق (ع) هم در دوران امامت فرزند برومندش به عنوان وکیل آن حضرت در جامعه فعالیت چشم‌گیری داشت. چنانچه گفته شده:

كلما اراد الامام الصادق تقسيم حقوق اهل المدينة اعطاها لامه ام فروة و زوجة حميدة المصفاة. (طوسی، ۱۶۶)

۹

در زمینه فعالیت فرهنگی این بانوی مکرمه بیان شده. هرگاه امام صادق (ع) می‌خواست حقوق اهل مدینه را تقسیم کند آن را به دست مادرش ام فروه و همسرش حمیده مصفاة می‌سپرد.

نویسنده‌ای بعد از نقل گفته تاریخی مذکور چنین تحلیلی را ارائه می‌کند:
لازم به ذکر است که در دوران امامت امام صادق (ع) به دلیل آنکه در دربار خلافت مشغله‌هایی ذهنی ایجاد شده بود، فرصت مناسبی برای تعلیم و تعلم شیعیان ایجاد گردید و آن

حضرت بیش از دیگر ائمه (ع) از اصحاب و یاران مخلص و فداکار برخوردار بود؛ زیرا فرصت تربیتی بیشتری داشت، امام با وجود مردان آزموده و قابل اعتمادی که در آن مقطع حساس در خدمت امام بودند، آن حضرت حقوق اهل مدینه را توسط مادر و همسر بزرگوارش تقسیم می نمود. این حرکت چه بانام وکالت باشد و چه با عنوان وصایت، نوعی حضور اجتماعی وسیع و گسترده می طلبد و لازمه آن تأثیرگذار بودن این دو بزرگوار و مهم تر از آن، اقبال عمومی جامعه نسبت به آن دو است. روشن است که پیش از اعطای این مقام، باید شخصیت و وثاقت و عظمت روح و روان آن ها، هم برای امام و هم برای مردم اثبات شده باشد. (طیبی، ۱۸)

ام فروه محضر سه امام معصوم؛ امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را درک کرده و از خدمت این بزرگان مکتب تشیع کسب فیض کرده است. ایشان از یاران خاص و مورد اعتماد امام سجاد علیه السلام بود که مسعودی در مورد ایشان می گوید: ام فروه از پرهیزگارترین بانوان عصر خود بود و از علی بن الحسین حدیث روایت کرده است. (مسعودی، ۱۵۲) از این بانو احادیث زیادی از زبان امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام روایت شده است. علامه مامقانی ام فروه را در زمره زنان راوی ذکر کرده و پس از بیان روایت، درباره او می گوید: این روایت نشانه وثاقت ام فروه است؛ زیرا که همواره با تقوا و نیکوکار بوده است؛ بدین ترتیب او را از ثقات می شماریم. (مامقانی، ج ۳، ۷۳)

دفاع از فقه اهل بیت (ع)

کلینی در کتاب شریف کافی روایتی را با سند محمد بن یحیی از عبد الاعلی ذکر می کند. «عبد الاعلی گفت: ام فروه را دیدم که با لباس (ظاهری) ناشناس دور کعبه طواف می کرد و حجرالأسود را با دست چپ می گرفت. یکی از مردانی که طواف می کرد به او گفت: ای بنده خدا! سنت را اشتباه بجا آوردی. ام فروه گفت: ما از علم شما بی نیازیم.» (کلینی، ج ۴، ۴۲۸)

۲. ام هانی

ام هانی از بانوان فاضل و صحابی و راوی حدیث از امام باقر (علیه السلام) دانسته شده است. (اردبیلی، ج ۲، ۴۵۶) محمد بن اسحاق و سید بن ثعلبیه کسانی هستند که از این بانوی بزرگوار روایت نقل کرده اند. (خویی، ج ۲۴، ۱۸۱) ولی در کتاب های رجالی و حدیثی شرح حال این بانو را ذکر نکرده اند. (عطاردی، ج ۶، ۴۵۴) شیخ کلینی (م ۳۲۹ ه.ق) در کتاب مهم کافی در باب غیبت دو حدیث را از او نقل کرده که مضمون مشابهی دارند. بر طبق این روایت، ام هانی از امام باقر

(علیه السلام) از معنای آیه «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ * الْجَوَارِ الْكُنَسِ» (تکویر: ۱۵ و ۱۶) (سوگند به ستارگانی که بازمی گردند، حرکت می کنند و از دیده ها پنهان می شوند) سؤال می کند، امام در جواب می فرماید: مقصود از این آیه، امامی است که در سال ۲۶۰ غایب شود، سپس مانند شهاب های فروزنده در شب تاریک ظهور نماید، اگر زمان او را درک کنی چشمت روشن شود. (کلینی، ج ۱، ۳۴۱)

۳. حبابه والبیّه (صاحبۀ الحصاء)

حَبَابَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ الْوَالِبِيَّةِ، از منطقه ای بنام والبه از سرزمین های قبیله بنی اسد می باشد و کنیه اش ام النداء و برخی ام البراء گفته اند. علامه محسن امین می گوید شاید کلمه ام البراء تصحیف شده ی ام النداء باشد یا برعکس. (امین، ج ۴، ۳۸۳) و به دلیل روایتی که بعداً خواهد آمد به صاحبۀ الحصاء (دارنده سنگریزه ها) معروف شده بود.

ایشان از راویان و یاران اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشند که با عمر طولانی خود محضر هشت امام معصوم؛ از امام علی (علیه السلام) تا امام رضا را درک کرده است. (کلینی، ج ۲، ۱۵۳) شیخ طوسی در کتاب رجال خودشان این بانو را یک بار از اصحاب امام حسن شمرده (طوسی، ۹۴) و بار دیگر از اصحاب امام باقر به حساب آورده اند. (همان، ۱۵۱) و برقی هم ایشان را از راویان این دو امام دانسته اند. (برقی، ۵۲) در رجال کشی دو روایت از امام حسین (ع) از طریق حبابه نقل شده است و در یکی از روایت ها آمده که وقتی حبابه در خدمت امام مشرف شد امام از حبابه گله کردند و فرمودند ای حبابه! چرا کمتر زیارت ما می آیی؟ او عرض کرد به علت عارضه ای که برام پیش آمده مجبور شدم دیرتر به خدمت برسم، امام فرمود: چه عارضه ای؟ حبابه عرض کرد: دچار بیماری برص شده ام. امام دعایی فرمود و حبابه به برکت دعای حضرت از این بیماری نجات پیدا کرد؛ و کشی می گوید طبق اطلاعی که من دارم حبابه امیرالمؤمنین را درک کرد و تا عصر امام رضا (ع) زندگی کرد. (کشی، ۱۱۵) ابن داوود هم حبابه را با مدح و ستایش از راویان امام حسن، امام حسین، امام زین العابدین و امام باقر می داند. (حلی، ۸۹)

حبابه روایت معروفی را نقل کرده که بر طبق آن به محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسید و نشانه و دلیل امامت را از آن حضرت جویا شد. امام با دست به سنگریزه ی که روی زمین افتاده بود اشاره کرد و فرمود: آن را نزد من بیاور. سپس آن حضرت با خاتمش آن سنگ را مهر کرد، نقش انگشتر آن حضرت بر سنگ ثابت ماند. سپس امام فرمود: ای حبابه! هرگاه کسی ادعای

امامت کرد و توانست چنانکه دیدی مهر کند، بدان که او امامی است که اطاعتش واجب است و نیز امام هرچه را بخواهد، از او پنهان نگردد.

حَبابه پس از امام علی (علیه السلام) به محضر سایر امامان معصوم تا امام رضا (علیه السلام) رسید و از هر یک از امامان، آن سنگ را با نگیان انگشتر خود مهر کردند. (کلینی، ج ۲، ۱۵۲)

این بانوی مخدرة خودش کیفیت شرفیابی در خدمت امام سجاد (ع) را چنین بازگو می کند: سپس نزد علی بن الحسین علیه السلام آمدم و از پیری به آنجا رسیده بودم که مرا ریشه گرفته بود و من آن زمان ۱۱۳ سال برای خود می شمردم. آن حضرت را دیدم رکوع و سجود می کند و مشغول عبادت است. من از دریافت نشانه امامت مأیوس شدم حضرت با انگشت سبابه به من اشاره کرد، جوانی منبر گشت، گفتم: آقای من از دنیا چقدر گذشته و چقدر باقی مانده؟ فرمود: اما نسبت بگذشته آری و اما نسبت به باقیمانده، نه. (یعنی گذشته را می توان معلوم کرد ولی باقی مانده را کسی نمی داند) سپس فرمود: آنچه همراه داری بیاور. من سنگریزه را به او دادم، حضرت بر آن مهر نهاد. حبابه همین طور به خدمت امام باقر و امام صادق و امام کاظم رسید.

او همین طور بالاخره در خدمت امام رضا مشرف شد و امام رضا هم بر آن سنگریزه مهر کرد و بعد از ملاقات با امام رضا (ع) نه ماه زندگی کرد و از دنیا رفت و امام رضا (ع) او را در پیراهن خود کفن نمود. (طوسی، ۷۶) و مجموع عمر بابرکت این بانوی جلیل القدر حدوداً دویست و سی سال می شود.

غیر از حبابه و البیه دو بانوی دیگر هم صاحبه الحصاة (صاحب سنگریزه) لقب یافته اند. چون این بانوان هم سرگذشتی مانند حبابه داشتند. لذا صاحبه الحصاة (صاحب سنگریزه) لقب یافتند و با این لقب معروف شدند آن دو بانو یکی ام اسلم (راوی و صحابی پیامبر و چهار امام معصوم) و دیگری ام غانم (راوی امام سجاد) است.

۴. خدیجه بنت امام باقر (ع)

شیخ طوسی در کتاب رجالش، خدیجه بنت محمد بن علی بن الحسین (علیه السلام) را در زمره اصحاب و راویان امام باقر (علیه السلام) ذکر کرده است، (طوسی، ۱۵۱) علامه مامقانی او را در زمره زنان راوی نام برده و می نویسد: «بدون شک امامی مذهب و فردی نیکو و مورد قبول است» اما شرح حال و روایات این راوی در دست نیست. (مامقانی، ۸۰)

۵. خدیجه بنت عمر الاشراف

خدیجه دختر عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب است. برقی ایشان را از راویان امام باقر شمرده است. (برقی، ۶۲) ولی هیچ کدام از رجالیان در کتاب‌های خود به زندگی‌نامه این عالیه‌ی مخدیره نپرداخته‌اند لذا شرح حال می معلوم نیست؛ اما برخی محققین به دلیل اینکه در وثاقت و صداقت عبدالله بن ابراهیم شکی وجود ندارد (نجاشی، ۲۱۶) و ایشان از خدیجه بنت عمر روایت نقل کرده‌اند، (کلینی، ج ۱، ۳۵۸) خدیجه را نیز معتبر القول شمرده‌اند. (جامع العروه، ج ۲، ۴۵۷) سید محسن امین در کتاب شریف اعیان الشیعه بعد از نقل حدیث می نویسد: از آنچه گذشت به مقام و منزلت خدیجه در نزد قوم و عشیره اش پی می بریم؛ و از این که از عمویش امام باقر (ع) روایت می کند معلوم می شود که او صحیح العقیده بوده است. (امین، ج ۳، ۳۱۳) خدیجه، از عمویش امام باقر (علیه السلام) روایاتی نقل کرده است، (کلینی، ج ۱، ۳۵۸) نقش علمی - فرهنگی بانوان فرهیخته در نشر معارف امام باقر (ع)

بانوانی که در آن دوران شرف حضور در خدمت امام باقر را داشتند سعی کردند خدماتی مطابق توان خود در عرصه نشر معارف اهل بیت داشته باشند. لذا روایاتی را در این زمینه که از امام آن دوران شنیده بودند به دیگران نقل کردند؛ و در پیشبرد اهداف عالیه اهل بیت (ع) حتی الامکان سهیم شدند. روایاتی که در این بخش از این بانوان نقل شده به عرصه های گوناگون علوم و دانش های اسلامی تعلق دارد که طبق تقسیم بندی این علوم بیان خواهد شد. تفسیر و علوم قرآن

تفسیر آیات ۱۵ و ۱۶ سوره تکویر

مرحوم کلینی، در کتاب شریف کافی در باب الغیبه دو روایت را از بانوی عالیه ام هانی، از راویان زن امام باقر نقل کرده که غالباً یک روایت است که با کمی تفاوت ذکر شده است. (کلینی، ج ۱، ۳۴۱)

«ام هانی گوید: ابا جعفر محمد بن علی علیه السلام را ملاقات کردم و راجع به آیه «۱۵ و ۱۶ سوره تکویر» از آن حضرت سؤال کردم، فرمود: خنس (ستارگان غروب کننده) امامی است که در زمان خود هنگامی که مردم از وجود او خبر ندارند [برخی از علمش از مردم گرفته شود] پنهان می شود، در سال ۲۶۰ سپس مانند شعله درخشان در شب تار ظاهر می شود، اگر آن زمان را درک کنی چشمت روشن شود.» (کلینی، ج ۱، ۱۴۲)

علم کلام

امامت و رهبری

حبابه والیه که معرفی‌اش در صفحات قبل گذشت روایت معروفی در باب شناخت امام برحق دارد و او به دلیل همین روایت به صاحب‌الحصاء معروف گشت. ما در فصل دوم اشاره‌هایی به این روایت داشتیم و الآن آن روایت را با تمام و کمال ذکر می‌کنیم. این روایت را نیز صاحب‌الکافی نقل کرده است؛ و همچنین محدثان دیگر هم ذکر کرده‌اند.

حبابه والیه (زنی بوده از والبه که نام موضعی است در یمن) گوید: امیرالمؤمنین (ع) را در شرطه‌الخمیس (پیش‌قراولان لشکر و لشکر را خمیس نامند، یعنی پنج قسمتی، چون تقسیم می‌شده به: ۱- مقدمه ۲- ساقه ۳- میمنه ۴- میسر ۵- قلب، یا برای آنکه از غنیمت خمس می‌داده است، از مجلسی (ره)؛ و ممکن است مقصود از شرطه‌الخمیس (دژبانی) باشد چنانچه امروزه می‌گویند) دیدار کردم یک شلاق دوشاخه در دست داشت و با آن فروشندگان جرّی (ماهی بی‌فلس) و ماهی و زمار را (نوعی از همان مارماهی) می‌زد و به آن‌ها می‌فرمود: ای فروشندگان یهودی‌های مسخ شده و جُنْدِ بنی مروان.

فرات بن احنف خدمت آن حضرت ایستاد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین جُنْدِ بنی مروان چیست؟ گوید: در جواب او فرمود: مردمی بودند که ریش‌ها را می‌تراشیدند و سبیل‌ها را تاب می‌دادند و مسخ شدند.

حبابه گوید: من خوش‌سخن‌تر از آن حضرت ندیدم و به دنبال او رفتم و رفتم تا در پیشخان مسجد نشست، من به آن حضرت گفتم: یا امیرالمؤمنین دلیل امامت چیست؟ یرحمک الله، گوید: به من فرمود: آن سنگریزه را بیاور برای من (و با دست خود به یک سنگریزه اشاره کرد) من آن را برای او آوردم و با خاتم خود مهر بر آن نهاد که نقش بست و به من فرمود: ای حبابه، هر که مُدّعی امامت شد و توانست مثل من این سنگ را مهر کند، بدان که او امام مقتضی الطاعه است، امام هر چیز را بخواهد می‌داند، گوید:

من پی کار خود رفتم تا امیرالمؤمنین (ع) فوت کرد، آمدم خدمت امام حسن (ع) که به‌جای امیرالمؤمنین (ع) نشسته بود و مردم از او سؤال می‌کردند، چون مرا دید، فرمود: ای حبابه والیه، عرض کردم: نعم یا مولای، فرمود: آنچه همراه داری بیاور، من آن سنگ را به آن حضرت دادم و مانند امیرالمؤمنین با خاتم خود نقش بر آن نهاد. گوید: سپس نزد حسین (ع) آمدم و او در مسجد رسول خدا (ص) بود، مرا نزد خود خواند و خوش آمد گفت و سپس به من فرمود: دلیل آنچه تو می‌خواهی موجود است، نشانه امامت را می‌خواهی؟ گفتم: آری ای آقای من، فرمود: آنچه با خود

داری بیاور، من آن سنگ را به او دادم و برایم مهری بر آن نهاد، گوید: پس از آن خدمت علی بن الحسین (ع) آمدم و تا آنجا پیر شده بودم که ریشه گرفته بودم و ۱۱۳ سال برای خود می‌شمردم، دیدم آن حضرت در رکوع و سجود است و مشغول عباد است و به من توجهی ندارد و من از دریافت نشانه امامت ناامید شدم و آن حضرت با انگشت سَبَّابَه خود به من اشارتی کرد و جوانیم برگشت.

گوید: گفتم ای آقای من از دنیا چه اندازه گذشته و چه مانده است؟ فرمود: نسبت به آنچه گذشته، آری و آنچه مانده است، نه.

گوید: سپس به من فرمود: آنچه با خود داری بیاور، من آن سنگ را به آن حضرت دادم و برایم بر آن مهری نهاد و سپس نزد امام باقر (ع) آمدم و برایم مهری بر آن نهاد و سپس نزد امام صادق (ع) آمدم و بر آن برایم مهری نهاد و پس از آن نزد امام کاظم (ع) آمدم و آن را برایم مهر کرد و سپس نزد امام رضا (ع) آمدم و آن را برایم مهر کرد و حبابه و البیه پس از آن نه ماه زنده بود. (کلینی، ج ۵، ۵۹۹، ۲)

برخی از کتب حدیثی روایاتی دیگر را از حبابه نقل می‌کنند که به یکی از کرامات و معجزات امام باقر اشاره دارد. از این روایت فضل و بزرگی آن امام همام پی می‌بریم. (خصیبی، ۲۴۰)

«روایت شده که حبابه و البیه به حضور امام محمدباقر مشرف شد، امام (علیه السلام) به حبابه فرمود: برای چه گریه می‌کنی؟ گفت: برای زیادی غم و غصه، برای اینکه موی سرم سفید شده، امام باقر به حبابه فرمود: جلو بیا! حبابه نزدیک آن حضرت آمد، آن بزرگوار دست خود را بر فرق سر حبابه نهاد و برای او آهسته دعا کرد، آنگاه فرمود: برای حبابه آینه آوردند وقتی که به آینه نظر کرد دید موهای سفید سرش مشکی بسیار خوبی شده‌اند، حبابه از این نعمت خیلی خوش حال گردید، امام باقر هم برای خوش حالی حبابه مسرور شد.» (نجفی، ۳۳۷)

کلینی روایتی را در باب تولد امام صادق ذکر می‌کند که این روایت را امام صادق از مادرشان و ایشان از امام باقر نقل کرده است که امام در مورد شیعیان چنین فرمودند. (کلینی، ج ۴، ۴۷۲)

«ای ام فروه! من در هر شبانه روز هزار بار برای گناهکاران از شیعیانم خدا را می‌خواهم (و آمرزش می‌خواهم) زیرا ما با دانائی به ثواب و پاداش بر مصیبتی که بما وارد می‌شود صبر می‌کنیم ولی آن‌ها بر آنچه نمی‌دانند صبر می‌کنند.» (کلینی، ج ۲، ۳۷۸)

ولی مسعودی با ذکر این که ام فروه از امام سجاد روایت‌های متعددی را نقل کرده، این روایت را نیز با کمی تفاوت از ام فروه نقل می‌کند که ایشان از امام سجاد روایت کرده که امام

فرمودند:

«ای ام فروه! من در هر شب و روزی صد مرتبه برای شیعیانمان دعا می‌کنم یعنی طلب آمرزش می‌نمایم زیرا که ما به آنچه میدانیم صبر می‌نماییم و آنان به آنچه نمی‌دانند صبر می‌کنند.» (نجفی، ۳۴۱)

فقه و احکام

استلام حجر الاسود با دست چپ

فقه‌اء در کتب فقهی خود برای جواز استلام حجر الاسود با دست چپ از روایتی استدلال می‌کنند که از مادر امام صادق (ع) بانو ام فروه است؛ و محدثین این روایت را در کتب حدیثی خود آورده‌اند و آن روایت چنین است. «عبد الاعلی می‌گوید: من مادر امام صادق (ع) را دیدم که ناشناخته و بی‌حضور غلامان مخصوص، دور خانه کعبه طواف می‌کرد و عبای درشتی بر سر داشت، موقعی که به حجر الاسود رسید، با دست چپ حجر الاسود را استلام کرد. مردی از حاجیان که در حال طواف بود گفت: ای خانم! در سنت طواف خطا کردی و مادر امام صادق گفت: ما از دانش شما مردم بی‌نیازیم.» (کلینی، ج ۴، ۴۰)

احکام سوگواری بر میت

از بین احکام میت احکام مربوط به سوگواران و سوگواری بر میت است که بعد از مرگ کسی چقدر و چگونه بر میت سوگواری کنیم؟ در این روایت بانو خدیجه بنت عمر الاشرف مقداری از این احکام را از امام باقر نقل کرده است. (کلینی، ج ۱، ۳۵۸)

«عبدالله بن ابراهیم بن محمد جعفری گوید: ...سپس خدیجه گفت: من از عمویم، محمد بن علی (ع) (امام باقر) شنیدم می‌فرمود: همانا زن در مجلس ماتم نیاز به نوحه‌گر دارد تا اشک ریزد و او را نشانید که سخن زشت و دشنام به لب آورد، شب که شد نوحه را ترک کند و به وسیله ناله و زاری خود فرشته‌ها را نیازارد...»

نتیجه

بعد از تحقیق و جستجو و بررسی های فراوان در این مقاله نتایج و دست آوردهایی که به دست آوردیم در ذیل بازگو می‌کنیم:

۱. امام باقر با سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی تمام توانشان را به کار گرفتند تا معارف اصیل اسلام به مردم دوران خود و به نسل‌های بعدی منتقل گردد.

۲. امام باقر با پیروی از امام سجاد به تربیت و پرورش اصحاب و شاگردان فرهیخته پرداختند و در عرصه‌های مختلف شاگردانی زبده را تربیت کرده به جامعه اسلامی تحویل دادند.

۴. حتی در تربیت و پرورش شاگردان صنف بانوان را نیز فراموش نکردند و از استعداد‌های زنان نیز در عرصه‌های مختلف علمی و اجتماعی بهره برده و بانوان عالمه، محدثه و فرهیخته را به جامعه تقدیم کردند.

۵. ولی به دلایلی مانند بی‌توجهی مورخان و رجال‌شناسان به فعالیت‌های حدیثی بانوان، باعث شده بانوان به فعالیت‌های علمی و حدیثی کمتر بپردازند؛ و یا اگر هم بپردازند باگذشت زمان فعالیت‌ها و شخصیت آن‌ها به فراموشی سپرده شوند. لذا ما تعداد راویان و اصحاب بانوان ائمه را بسیار کم‌تر از مردان می‌بینیم. با همه موانع و محدودیت، شاهدیم که بانوانی در عصر امام باقر در زمینه علمی و فرهنگی مجاهدت‌های فراوانی به ثمر رسانده و از هیچ کوششی فروگذار نکردند. بنا به دلایل گوناگون همچون آنکه غالباً تاریخ‌نگاران از مردان بودند متأسفانه بسیاری از زوایای زندگی بانوان از جمله بعد علمی و فرهنگی آن‌ها در کتب تاریخی به ثبت نرسیده و یا در لابه‌لای مطالب فراوان مربوط به مردان گم شده است. با توجه به آنچه از فعالیت‌های علمی و فرهنگی بانوان فرهیخته در عصر امام باقر بیان شد، پیشنهاد می‌شود فعالیت‌های علمی و فرهنگی بانوان زمان امامان دیگر موردبررسی قرار بگیرد تا الگویی از تاریخ و میراث گذشته به برای نسل امروز ارائه گردد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن عنبه، احمد بن علی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم، انصاریان، بی تا.
۳. ایرلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ه ق.
۴. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، قم، منشورات مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ه ق.
۵. امین، محسن، أعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ه ق.
۶. برقی، ابو جعفر، احمد بن ابی عبدالله بن خالد، رجال البرقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ه ق
۷. بهبودی، محمدباقر، گزیده کافی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ ه ش.
۸. حلّی، ابو محمد، حسن بن علی بن داود، رجال ابن داود، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ه ق.
۹. خصیبی، حسین بن حمدان، هداية الكبرى، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۹ ه ق.
۱۰. خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات رواة، قم، مرکز نشر ثقافه اسلامیة، ۱۳۷۲ ه ش.
۱۱. شوشتری، قاضی نورالله، الصوارم المهرقة، تهران، انتشارات نهضت، ۱۳۶۷ ه ق
۱۲. صادقی اردستانی، احمد، زنان دانشمند و راوی حدیث، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ه ش.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة للحجة، قم، دار معارف اسلامیة، ۱۴۱۱ ه ق.
۱۴. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی، رجال طوسی، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ ه ق
۱۵. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ه ق.
۱۶. العطاردی، عزیز الله، مسند الإمام الباقر، تهران، نشر عطارد، ۱۳۸۴ ه ش.
۱۷. عماد زاده، حسین، زندگانی حضرت امام باقر علیه السلام، تهران، شرکت سهامی

- طبع، ۱۳۳۹ ه.ش.
۱۸. عمری، علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۹. غروی نائینی، نهالا، محدثات شیعه، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تابستان ۱۳۷۵ ه.ش.
۲۰. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ه.ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی (ترجمه کمره ای)، قم، اسوه، ۱۳۷۵ ه.ش.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی (ترجمه مصطفوی)، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ه.ش.
۲۴. مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۲۷ ه.ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲۶. محلاتی، ذبیح الله، بانوان دانشمند شیعه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ ه.ش.
۲۷. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة (ترجمه محمد جواد نجفی)، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲ ه.ش.
۲۸. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب، نجف، مکتبه مرتضویه، بی.تا.
۲۹. مظفری حیدر، مادران چهارده معصوم، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ه.ش.
۳۰. مفید، محمد بن نعمان، الإختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ه.ق.
۳۱. مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق.
۳۲. ناهید طیبی، مادران امامان شیعه و نقش های سیاسی - اجتماعی آنان، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، شماره ۶ و ۷، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، ۱۸.
۳۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه،

۱۴۰۷ ه.ق.

۳۴. نراقی، ملا احمد، خزائن نراقی، تهران، مؤسسه انتشارات قیام، ۱۳۸۰ ه.ش.

۳۵. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال حدیث، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۶ ه.ق.